

● **یادداشت** ●  
● **محسن رفاتی** ●

## خطای بزرگ سیاستی

حوزه بیمه و درمان از حوزه‌هایی است که مصداق این بیت است: «سر چشمه باید گرفتن به بیل / چو پر شد نشاید گذشتن به پیل.» در مهرماه امسال در همایش صندوق‌های بازنشستگی در دانشگاه علامه طباطبائی بیان کردم که نظام بیمه، بازنشستگی و درمان به‌سرعت به سوی بحران می‌رودو اصلاح این نظام، که بسیار ساده‌تر از اصلاح نظام بانکی یا نظام مصرف آب کشور است، می‌تواند مهم‌ترین و ساده‌ترین نمونه برای آزمون توانایی اصلاح‌پذیری نظام سیاسی موجود باشد. درواقع نخستین آزمون توانایی نظام سیاسی در اصلاح به‌موقع خویش است، امااصلاحات در حوزه بیمه و درمان باید به‌سرعت آغاز شود. نشانه‌ها حاکی از آن است که ما به‌سرعت به نقطه بحران نزدیک می‌شویم و پیش از شروع آن باید چاره‌ای بیندیشیم. در ایران برآوردها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۵ نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در حوزه درمان هزینه می‌شود. فقط بودجه وزارت بهداشت بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان و بودجه درمان سازمان تامین اجتماعی نیز بالغ بر ۱۶ هزار میلیارد تومان است. سایر بخش‌ها و هزینه‌هایی که خودبخاورها متحمل می‌شوند باید به ارقام بالاافزوده شوند. هزینه‌های درمان یکی از عوامل بی ثبات‌کننده رفاه و فشار بر قشرهای متوسط و کم‌درآمد است. اخیرا موضوع جایگاه بیمه‌ها به موضوع اختلاف جدی میان وزارت بهداشت و آموزش پزشکی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبدیل شده است. از آنجا که هر تحولی در این حوزه تاثیر شدیدی بر زندگی مردم ایران خواهد گذاشت، تحولات این حوزه باید بسیار منطقی، کارشناسی و حساب‌شده باشد. ما دیگر فرصت آزمون و خطاهای پر هزینه را نداریم. یک خطای سیاسی، به‌ویژه وقتی با طیف گسترده‌ای از جامعه سرو کار داشته باشد، می‌تواند نظام اجتماعی و سیاسی ما را به بحران بکشد. بنابراین تغییرات سیاسی و تحولات حوزه بیمه و درمان باید به‌طور جدی و دقیق از سوی کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه دنبال و نقدوبررسی شود. نمایندگان مجلس نیز باید از هر گونه مصوبه شتاب‌زده در این حوزه به طور جدی بپرهیزند. مجلس باید در فضایی آرام و به دور از شتاب، از ظرفیت نظام فکری و کارشناسی ملی برای تصویب تحولات قانونی بهره کافی ببرد.

وزارت بهداشت همواره سازمان‌های بیمه‌گر و وزارت تعاون را مورد انتقادهای تند قرار داده و آنان را مسئول بحران‌های مالی حوزه نظام بیمه سلامت دانسته و در عین حال در برابر انتقادهای مربوط به کُز کاری‌های فنی و سازو کاری نظام بیمه سلامت، پاسخ‌های دقیقی که همراه با اعداد و ارقام باشد نداده است؛ اما در عوض برای حل بحران‌های خود در خواست کرده بیمه‌ها در وزارت بهداشت ادغام شوند؛ امری که به گمان من اگر رخ دهد، یک خطای بزرگ سیاستی تازه در مدیریت کلان کشور خواهد بود که ممکن است برای مدت کوتاهی بحران این حوزه را لاپوشانی کند یا به تعویق بیندازد، اما در میان مدت به بحرانی عظیم و پردامنه و مهارنشدنی تبدیل خواهد شد. به نظر می‌رسد وزارت بهداشت فعلا می‌خواهد به هر صورتی شده با این اقدام مشکل کسری منابع مالی طرح بیمه سلامت را حل کند، اما پرواضح است که حوزه بیمه هم‌اکنون نیز چنان در گیر بحران است

که این تغییر می‌تواند یه در هم‌ریزی در این حوزه بینجامد. برخی گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد دانشگاه‌های علوم پزشکی ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان در بانک‌ها پس‌انداز کرده‌اند. روشن است که با تزریق این منبع وزارت بهداشت می‌تواند بحران حالی بیمارستان‌های دولتی را که زیر فشار بدهی هستند تا محدودی حل کنند؛ اما وزارت بهداشت ترجیح می‌دهد این منبع مالی بزرگ در بانک‌ها سپرده‌گذاری شود. در موارد بسیاری، کارانه پزشکان حتی بسیار بالاتر از حقوق‌های نجومی اخیر است. درواقع نزدیک به هزار میلیارد تومان میان کمتر از ۱۰ هزار پزشک توزیع می‌شود (برخی اطلاعات می‌گوید میان ۵ هزار، ولی من احتیاط کردم و گفتم در میان کمتر از ۱۰ هزار پزشک). شفاف‌سازی درباره دریافتی پزشکان می‌تواند موج اجتماعی تازه‌ای این بار علیه وزارت بهداشت ایجاد کند. بسیاری از منابع سازمان بیمه سلامت در اختیار وزارت بهداشت است. گفته می‌شود منابع پزشک خانواده که بیش از ۲ هزار میلیارد تومان است، به وزارت بهداشت داده شده است؛ اما سازمان‌های بیمه‌گر مجبور به پرداخت آن هستند. تقاضای القایی همواره در ایران وجود داشته، اما در سال‌های اخیر با دلایل روشن و عمدتاً ناشی از سازو کار نامناسب طرح بیمه سلامت افزایش یافته است. کنترل نکردن این تقاضای القایی یکی از علل بحران مالی سازمان‌های بیمه‌گر است. به علت اهمیت و گستردگی موضوع، مسئله جایگاه بیمه‌های درمان مسئله آحاد مردم است. تصمیم‌گیران نباید این مسئله را به گفت‌وگو در پشت درهای بسته محدود کنند، بلکه لازم است مشکلات وضعیت کنونی به صورت شفاف بیان شودو با مشارکت کارشناسان و گروه‌های اندیشگی مختلف درباره این بخش مهم از مسائل کشور تصمیم‌گیری شود.

اقتصاددان  
\* بخشی از یادداشت منتشر شده در شماره ۷۲۳۶ روزنامه شرق

## درخواست جمعیت مامایی برای رسیدگی به مشکلات این قشر

رئیس جمعیت مامایی ایران با ارسال نامه‌ای به وزیر کشور خواستار صدور مجوز تجمع صنفی در اعتراض به عدم حل مشکلات متعدد این قشر شده است. براساس اخبار دریافتی ایلنا، معصومه آباد، رئیس جمعیت مامایی ایران، نامه‌ای به وزیر کشور ارسال کرده و در آن، خواستار صدور مجوز برای برگزاری تجمع صنفی شده است. در این نامه همچنین به مشکلات متعدد قشر «ماما» اشاره شده و از بی توجهی وزارت بهداشت و وزارت رفاه به مطالبات ماماها انتقاد شده است. بی توجهی وزارت بهداشت جهت تعیین تکلیف تعرفه مامایی، پرداخت حق الزحمه ماماها به پزشکان زنان، عدم توجه به این صنف در طرح تحول سلامت و واگذاری بعضی از امور مامایی به پهورزان، دیگر گلایه‌های عنوان شده در این نامه هستند.

# ۱۰ | کتینه‌و

اصلاحیه قانون کار

بررسی ابعاد اجتماعی لایحه اصلاح قانون کار

# فضای خاکستری مناسبات کار

## قانون کار فقط برای کارگران

## نوشته نمی‌شود!

● **دیدگاه** ●  
● **حمید حاج‌اسماعیلی** ●

مطالبات نیروی کار با تغییر شرایط اقتصادی و بازار کار، همچون گذشته دیگر متوجه دولت نیست. بنابراین نیازمند سازو کاری هستیم تا با تشکیل یک ساختار قوی و سازمانی که همان تشکل‌های واقعی و استاندارد کارگری و کارفرمایی است آخذ این مسئولیت را برکنیم. البته فعلا برای تحصیل مطلوب قانون کار نیازمند لوازم و امکانات دیگری هستیم که می‌بایست در کنار اصلاح قانون کار به آن‌ها پرداخته شود. پذیرش کنوانسیون‌های بنیادین کار، رعایت استانداردها و حقوق کار در بازار کار کشور، فرهنگ کار و آموزش آن و تقویت گفت‌وگوهای اجتماعی از مهم‌ترین این لوازم است که جز با اهتمام دولت و مجلس میسر و محقق نمی‌شود. بنابراین باید در پروسه اصلاح قانون کار به چالش‌ها و اهداف اصلی توجه داشته باشیم. موضوع قراردادهای کار، تعیین حداقل دستمزد کارگران در شورای عالی کار، تاسیس سازمان‌های کارگری و کارفرمایی مستقل و قدرتمند و توسعه شمول قانون کار به مشاغل نوپدید در اصلاح قانون باید مورد توجه قرار گیرد. مخالفان اصلاح قانون کار به جای تلاش، مذاکره و پیشنهاد مطلوب در مسیر اصلاح قانون کار جهت رفع تنش‌ها در روابط کار، حفظ قانون فعلی را گزینه مطلوب می‌دانند.

این تلقی که قانون کار فقط برای کارگران نوشته می‌شود و باید نظرات آنان در آن لحاظ شود به نظر من دیدگاهی افراطی است. از گذشته و از زمان تصویب قانون کار کارفرمایان به آن انتقاد داشتند. رفته‌رفته در مسیر اجرای قانون کار، دولت هم به منتقدان قانون کار پیوست. البته این تصور که کارگران با اصلاح مخالفانند بهیچ‌وجه درست نیست، چون برخی افراد که گاه به نام نمایندگان کارگران با اصلاح این قانون مخالفت می‌کنند، نماینده همه کارگران نیستند.

کارشناس بازار کار

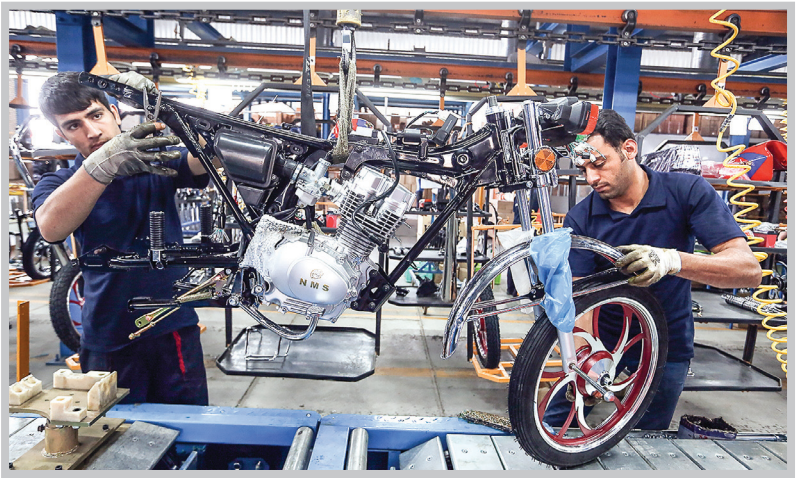
است. به این صورت که سنوات کار گر حتی به‌صورت ماهیانه در یک حساب به نام کار گر ریخته می‌شود و نیروی کار تا زمان پایان کار امکان برداشت از آن را ندارد. چنین بندی نیز به منزله کاهش قدرت خرید نیروی کار است.

– برخی موارد در جهت تقویت شرایط تولید است، مواردی مثل اصلاحیه ماده ۴۸ در زمینه بهبود روند تولید.

– در این اصلاحیه نقش حمایتی بیمه‌های اجتماعی کاملاً از بین رفته است. در بند ۱۶ جایگزینی صندوق‌های بیمه‌ای به جای تامین اجتماعی آورده شده است و در ماده ۱۴۸ هم با خلط تامین اجتماعی با دیگر صندوق‌ها این حمایت از نیروی کار عملاً برداشته می‌شود. چراکه دیگر صندوق‌ها فاقد سازو کار اجرایی بیمه کردن اجباری نیروی کار هستند و امکان ایجاد آن نیز عملاً

– رویکرد تقویت حوزه دولت، نه به‌عنوان حمایتگر که به‌عنوان هدایتگر و جهت‌دهنده این مناسبات به‌شدت پررنگ است، بسیاری از موارد در پیشنهاد جدید با «تصویب‌وزیر» معنا می‌یابد، یعنی با تغییر یک‌وزیر بسیاری از مناسبات می‌تواند تغییر کند. درواقع نوعی رویکرد از بالا به پایین و دستوری بر کلیت آن حاکم است.

– برخی موارد مرتبط با حقوق اجتماعی نیروهای کار، بدون توجه به منافع نیروی کار طراحی شده است. مواردی مانند بند «۳» ماده ۲۱، که یکی از شرایط لغو قرارداد کار را توافق کارگر و کارفرما دانسته است و توافق نامه‌ای که کار گر در بدو ورود به محیط کار گاه مجبور به امضای آن می‌شود، می‌تواند اخراج او را فراهم می‌آورند و یا ماده ۲۴ که به بحث تجمیع سنوات پرداخته



● **دیدگاه** ●  
● **فرشید یزدانی** ●

اصلاح قانون کار مدت‌هاست مورد توجه مسئولان مربوطه به‌خصوص در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گرفته و اصلاحیه‌ای در این زمینه تهیه و به مجلس شورا فرستاده شده است. در این زمینه نکاتی حائز اهمیت است. قانون کار اساساً برآمده از دل تکیه‌ب‌های اجتماعی نیروی کار و نتیجه گفت‌وگوهای اجتماعی بین نیروی کار، طرف سرمایه و دولت به‌عنوان میانجی و سامنده نظم اجتماعی در این عرصه است و اصلاحات نیز منطقالا نه به‌عنوان یک پیشنهاد یک‌سویه از طرف دولت که باید برآمده از گفت‌وگوی گسترده در این حوزه باشد. این اصلاحیه باید برآمده از یک برنامه پژوهشی اجتماعی باشد؛ برنامه‌ای که از دل نیازهای اجتماعی و رویکرد جمعی به توسعه اجتماعی برآید.

متأسفانه اصلاحیه تهیه‌شده کمتر واجد این ویژگی‌هاست. اسناد پشتیبان لازم، مانند آسیب‌شناسی قانون کار فعلی در راستای حقوق اجتماعی و توسعه ملی، وجود ندارد یا اینکه حداقل ارائه نشده و از دل فضای گفت‌وگوی طرفین یا به عبارت حرفه‌ای‌تر از یطن سه‌جانبه‌گرایی حاصل نشده است. این قانون باید بتواند فضای کسب‌وکار را در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی جهت بدهد و به نقش نیروی کار و دستیابی به امنیت اشتغال و مناسبات شرافتمندانه کار توجه ویژه کند، که به این معنا نیست که باید شرایط مناسب برای تشویق و تمایل به سرمایه‌گذاری نادیده گرفته شود ولی این موضوع نیز در قالب و متن مذکور باید در نظر گرفته شود. لایحه اصلاحیه ارائه‌شده دارای چند ویژگی و یارویکرد بارز است که برخی از این موارد را به قرار ذیل می‌توان شمار کرد:



یکشنبه ● ۲۷ آذر ۱۳۹۵ ● شماره هشتاد و یک

A T I V E H N O

## هر اصلاحیه باید برآمده از پژوهش اجتماعی باشد

میسر نیست. فقط سازمان تامین اجتماعی است که واجد چنین سازو کار نظارتی و حمایتی است. اجرای شدن این اصلاحیه به معنای خروج بخش وسیعی از نیروی کار از پوشش بیمه‌های اجتماعی است.

– به نظر می‌رسد این اصلاحیه با رویکردی بعضاً مردسالارانه، تضعیف‌کننده نقش زنان در اشتغال است. مواد ۷۵ و ۱۷۸، معطوف به حذف شب کاری و دور کاری زنان، درواقع به حذف زنان از بازار کار کمک می‌کند و جالب اینکه دور کاری به جای ساعت‌شیردهی به‌عنوان ساعت کار نشانده شده است.

– ماده ۱۸۶ پیشنهادی این اصلاحیه معطوف است به قدرت‌یابی هر چه بیشتر نهاد دولت. رویکردی که مغایر با سه‌جانبه‌گرایی و منافع نیروی کار است.

– در برخی موارد (مثل بند ۸۲ اصلاحیه مذکور) ابهام در قانون نویسی و به عبارت بهتر اجرای قانون وجود دارد. در بند مذکور، تصویب یک آیین نامه به عهده وزیر کار و یا وزیر بهداشت گذاشته شده است، در حالی که قانون باید به صورت مشخص مرجع تصویب را مشخص کرده باشد و این امر یعنی تعلیق موضوع بین دو حوزه مختلف و گرایش به انجام نشدن و یا بد انجام شدن کار.

در نهایت به نظر می‌رسد دولت به‌عنوان یک طرف از سه‌جانبه حوزه کار، آن هم طرف تاثیرگذار و میانجی و ماندگار، مناسب‌تر باشد؛ که نخست با سامان دادن پژوهشی درخور برای آسیب‌شناسی قانون کار فعلی اقدام کند. پژوهشی که می‌تواند متکی بر گفت‌وگوهای جمعی بین طرفین موضوع و در کنار آن صاحب‌نظران حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی و توسعه‌ای کشور باشد؛ سپس بر اساس آن پژوهش و با رویکرد توسعه ملی، و تقویت ساختاری و نهادی تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و مشارکت مبتنی بر سه‌جانبه‌گرایی به تدوین اصلاحیه مناسب اقدام کند.

کارشناس حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی